

دکتر محمد جعفر حبیبزاده
استادیار دانشگاه تربیت مدرس
حسین آقابابائی
فوق لیسانس حقوق جزا و جرم‌شناسی

تحلیل ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی

چکیده

قانونگذار ایران در تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در بحث سرقت میان «سرقت» و «ربودن مال غیر» تفاوت قائل شده و در ماده ۶۶۵ قانون مذکور برای مواردی که ربودن مال دیگری مشمول عنوان سرقت نیست، مجازات تعزیری تعیین نموده است. علت وضع ماده مذکور تأثیرپذیری مقنن از دیدگاه فقهای اسلام در بحث سرقت است که در مواردی که ربودن مال دیگری به صورت مخفیانه نباشد، عمل را سرقت نمی‌دانند. در عین حال با توجه به پیش‌بینی انواع سرقت تعزیری در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که مخفیانه بودن ربایش شرط تحقق آنها نیست و عناوین موردنظر فقها را هم در برمی‌گیرد، تصویب ماده ۶۶۵ اقدام ضروری و مفیدی نبوده است و باعث ابهامات متعددی شده است. توجیه اقدام قانونگذار در تفکیک بین سرقت و ربودن مال غیر، براساس رویه مقبول در سیستم کامن لو مبنی بر لزوم وجود قصد محروم کردن دائمی مالباخته از مال خود) با نظام حقوقی و رویه قضائی ایران موافق نیست.

مقدمه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ قانونگذار ایران به حکم اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر اسلامی شدن قوانین، درصدد حذف و اصلاح قوانین خلاف شرع و وضع قوانینی منطبق با موازین شرعی و فقهی برآمده و از این رهگذر درخصوص جرم سرقت ابتدا مواد ۲۱۲ الی ۲۱۸ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ به جرم سرقت مشمول حد اختصاص یافت و سپس در سال ۱۳۶۲ ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به بیان حکم سرقتی که جامع شرایط حد نبود پرداخت. در سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ قانونگذار در قوانین راجع به سرقت تحوّل اساسی ایجاد نمود و در فصل بیست و یکم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تحت عنوان «سرقت و ربودن مال غیر» در مواد ۶۵۱ الی ۶۶۷ به بیان انواع سرقت‌های تعزیری و اقسام ربودن مال غیر پرداخت که موضوع این تحقیق بررسی ماده ۶۶۵ این قانون است. در ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که در قوانین راجع به سرقت در حقوق ایران سابقه‌ی ندارد، این بحث مطرح شده‌است که ممکن است مال شخصی ربوده‌شود اما سرقت صدق نکند. به عبارت دیگر قانونگذار میان «ربودن مال غیر» و «سرقت» تفاوت قائل شده‌است که با توجه به این که منشأ وضع این ماده متون فقهی و تعبیرات فقها در بحث سرقت و ربودن مال غیر بوده‌است: بیان مقصود قانونگذار و بررسی مصادیق مشمول حکم این ماده تحقیق جامعی را می‌طلبد که در این مقاله بنا به اقتضای مقام به این مهم پرداخته‌ایم.

در این نوشتار ابتدا به شرایط تحقق سرقت از دیدگاه فقها می‌پردازیم و سپس تعریف سرقت در مقررات موضوعه ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در گفتار بعد انواع و اقسام ربودن مال غیر از نظر فقها را بیان نموده و در پایان مقصود قانونگذار را از «ربایشی که سرقت نیست مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مبحث اول - شرایط تحقق سرقت از دیدگاه فقهاء:

بحث سرقت در کلمات فقهاء در کتاب حدود و تحت عنوان «حد سرقت» مطرح شده است و عمده بحث فقهاء در خصوص سرقت، به بیان شرایط و خصوصیات سرقت مستوجب حد اختصاص دارد و به صورت مبسوط مواردی را که ربودن مال دیگری مستلزم حد قطع است بیان می کنند و کمتر به بیان شرایط سرقت تعزیری می پردازند. در بیان علت این امر یکی از نویسندگان معتقد است: «علما و فقهاء اصولاً عنایت خاصی به بیان احکام و شرایط جرائم مشمول حد و قصاص دارند و در خصوص جرائم تعزیری این اهتمام را ندارند و شاید عذر فقهاء در این مسئله این باشد که اکثر جرائم تعزیری به اولی الامر و حاکم و اگذار شده است و این جرائم به نسبت کشورها و نوع حکومتها متفاوت است»^۱. البته این دلیل برای عدم تعیین نوع و میزان تعزیر مناسب است اما برای عدم ورود به بحث کافی نیست، همچنین رویه جاری فقهاء در بحث سرقت این است که تعریفی از سرقت مشمول حد ارائه نمی دهند، بلکه شرایط اجرای حد سرقت را بیان می کنند.

شهید اول در این خصوص می فرماید: «و يتعلق الحكم بسرقة البالغ العاقل من الحرز بعد هتكه بلاشبهة ربع دينار او قيمته سراً من غير مال ولده و لاسيده و غير مأكول عام سنت»^۲ یعنی: «حکم قطع دست در مورد سرقت بالغ عاقل از حرز بعد از هتك آن در مواردی که شبهه ملکیت در میان نبوده و ربع دينار یا به اندازه قیمت آن به صورت مخفیانه ربوده شود و سرقت فرزند از مال پدر نبوده و سرقت مواد غذائی در سال قحطی هم نباشد، اجرا می شود در این جا به تناسب موضوع مقاله به یکی از شرایط اساسی تحقق سرقت مستلزم حد از دیدگاه فقهاء اشاره می کنیم و آن لزوم «مخفیانه بودن سرقت» است. از نظر فقهاء ربودن مال دیگری با وجود سایر شرایط

۱- عبدالقادر، عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، چاپ سیزدهم، بیروت، مؤسسه رسالت، ۱۹۹۴ م.

ص ۵۱۴.

۲- محمد بن جمال الدین، مکی العاملی (شهید اول) اللعة الدمشقیة، قم، دارالهادی، ۱۴۰۳ هـ.ق.

در صورتی که مخفیانه باشد، «سرقت مستوجب حد» و در صورتی که «مخفیانه» نباشد از شمول عنوان سرقت خارج است. فقها در این خصوص تعبیرات دیگری دارند که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم.

شہید ثانی در شرح لمعه می‌فرماید: «لا یقطع الهاتک للحرز قهراً لانه لا یعد سارقاً بل غاصباً اومستلباً»^۱ یعنی: «کسی که به صورت قهر و غلبه هتک حرز کند دستش قطع نمی‌شود، چون در این مورد هتک‌کننده حرز سارق نیست بلکه غاصب یا مستلب است»
ابن ادریس در سرائر می‌فرماید: «حقیقة السرقة اخذ الشيء على جهة الاستخفاء»^۲ یعنی: «حقیقت سرقت ربودن شیء به صورت مخفیانه است».

ابن حمزه در «الوسیله» می‌فرماید:

«السارق مَنْ أَخَذَ مالَ الغیر من حرز مثله مستخفياً»^۳ یعنی: «سارق کسی است که مال غیر را از حرز خاص خود به صورت مخفیانه بریاید» صاحب جواهر در شرح عبارت محقق حلّی در بیان علت عدم اجرای حد سرقت در ربایش علنی می‌فرماید: «لکونه غاصباً لاسارقاً»^۴ یعنی: «رباینده علنی غاصب است، سارق نیست». در خصوص معنای مخفیانه بودن سرقت اختلاف نظر است. شہید ثانی در این مورد ملاک مخفیانه بودن را عدم آگاهی مالک دانسته می‌گوید: «من غیر شعور المالك به»^۵ در کتاب احکام سرقت در شریعت اسلام و قانون در این خصوص آمده است: «معنای مخفیانه بودن سرقت این است که مال از حرز خاص خویش بدون علم و رضایت مسروق منه ربوده شود. مثل این که سارقی اموال شخصی را از منزلش در زمان عدم حضور یا در اثناء خواب او بریاید. اما اگر ربودن مال در حضور صاحب مال و بدون قهر و غلبه

۱- زین‌الدین بن علی، الجبعی العاملی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، دارالهادی،

۱۴۰۳ هـ.ق.

۲- علی‌اصغر، مروارید، سلسله الینابیع الفقهیة، ج ۲۲، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه شیعه، ۱۹۹۲ م. ص

۲۵۴ به نقل از سرائر.

۳- همان، ص ۳۱۶، به نقل از الوسیله.

۴- محمدحسن، نجفی، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م، ص ۴۸۸.

۵- زین‌الدین بن علی، الجبعی العاملی، پیشین، ص ۲۲۱.

باشد، عملیات انجام گرفته سرقت نبوده و در معنای «اختلاس» یا «نهب» یا «غصب» داخل می‌شود»^۱ بنابراین از دیدگاه فقها ربودن مخفیانه مال دیگری در صورت وجود سایر شرایط «سرقت مستوجب حد قطع» است و در صورتی که ربودن مال دیگری با قهر و غلبه همراه باشد و یا مخفیانه نباشد و در حضور صاحب مال و با علم و اطلاع او صورت گیرد، عملیات انجام گرفته سرقت نیست و عناوین دیگری دارد که در ادامه بحث اشاره خواهیم کرد.

مبحث دوم - تعریف سرقت در حقوق موضوعه ایران:

قبل از انقلاب اسلامی در حقوق موضوعه ایران تعریفی از سرقت به میان نیامده بود و با توجه به این که قوانین جزائی مأخوذ از حقوق عرفی و به‌طور اخص مأخوذ از قانون جزای فرانسه بود، جرم سرقت در یک تقسیم‌بندی کلی به سرقت ساده و سرقت مشدد تقسیم می‌شد و مجازاتها نیز همانند مجازاتهای مذکور در حقوق جزای عرفی بود. در مقررات جزائی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌موجب ماده ۲۱۲ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ سرقت این‌گونه تعریف شد: «سرقت عبارت است از این‌که انسان مال دیگری را به‌طور پنهانی برباید» و در ماده ۲۱۵ همین قانون آمده بود: «سرقت در صورتی باعث حد می‌شود که به‌صورت مخفیانه انجام گیرد».

نکر شرط (مخفیانه بودن) در ماده ۲۱۵ با توجه به تعریف مذکور در ماده ۲۱۲ که پنهانی بودن را جزء ماهیت سرقت می‌داند ظاهراً لغو و زائد به‌نظر می‌رسد و لذا قانونگذار در اصلاحات سال ۱۳۷۰ این شرط را حذف نمود ولی با ابقاء قید «مخفیانه بودن» در تعریف سرقت در ماده ۱۹۷ اصلاحی، این ایراد اساسی همچنان باقی ماند که با توجه به این که در قوانین و مقررات راجع به سرقت در کنار سرقت مستلزم حد

۱- احمد، الکبسی، احکام السرقة فی الشریعه و القانون، چاپ اول، بغداد، چاپخانه ارشاد، ۱۹۷۱ م.

که مخفیانه بودن از شرایط تحقق آن است، سرقت‌های تعزیری متعددی پیش‌بینی شده که مخفیانه بودن ربایش در آنها لازم نیست، چنانچه تعریف ماده ۱۹۷ را تعریف سرقت به‌طور کلی بدانیم، تعریف جامع و مانعی نخواهد بود و چنانچه بگوییم مخفیانه بودن در مورد سرقت مستلزم حد لازم است، اما در سایر انواع سرقت مخفیانه بودن ربایش لازم نیست، تخصیص اکثر لازم می‌آید که بطلان آن در علم اصول ثابت شده است؛ لذا نظر بسیاری از حقوق‌دانان این است که تعریف سرقت به «ربودن متقلبانه شیء متعلق به دیگری» تعریف جامع و مانعی است و چنانچه قید پنهانی بودن و سایر شرایطی که در مواد ۱۹۸ تا ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی آمده است تحقق یابد، سرقت مستلزم حد است. به این ترتیب می‌توان کلمه پنهانی بودن در تعریف سرقت را به متقلبانه بودن تفسیر کرد؛ در این صورت می‌توان گفت سرقت پنهانی مصداق اعلا و اجلا سرقت متقلبانه است.^۱

مبحث سوم - ربودن مال غیر در بیان فقهاء:

در بخش نخست بیان کردیم که ربودن مال غیر در صورتی که از حرز و به‌صورت مخفیانه باشد سرقت بوده و در صورت تحقق جمیع شرایط مندرج در مواد ۱۹۸ تا ۲۰۰ ق.م.آ. مستلزم حد قطع است. اما چنانچه ربودن مال غیر به‌صورت مخفیانه نباشد، در بیان فقهاء تحت عناوین دیگری مطرح شده است که به توضیح آنها می‌پردازیم.

الف - اختلاس - استلاب - اختطاف:

در کتاب مصباح المنیر آمده است:

۱ - محمدجعفر، حبیب‌زاده، حقوق جزای اختصاص (جرایم علیه اموال)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت،

«الاختطاف بسرعة على غفلة و قيل هو الاستلاب و بين المعنيين فرق واضح فان الاستلاب لا يشترط فيه السرعة و لا الغفلة، بل يتحقق بالاخذ علناً و مكابرة»^۱

«اختطاف یعنی ربودن سریع در حال غفلت صاحب مال و گفته شده که اختطاف همان استلاب است و حال این که بین این دو واژه تفاوت آشکاری وجود دارد. چون در استلاب سرعت در ربودن و غفلت صاحب مال شرط نیست، بلکه با ربودن علنی و با استفاده از زور محقق می‌شود»

مرحوم صاحب جواهر در معنای استلاب می‌فرماید:

«ارادة نهب المال و الحرب من دون محاربة بتجريد سلاح و نحوه فهو حينئذ منتهب و مختطف لا محارب»^۲

یعنی: «مقصود از استلاب غارت مال و فرار کردن است، بدون تحقق محاربه از طریق سلاح برکشیدن و امثال آن. پس مستلب همان منتهب و مختطف است و محارب نیست.

ایشان در ادامه در معنای اختلاس می‌گوید:

«و اما المختلس المفسر في محكى النهاية و المهدب و السرائر بالذى ياخذ المال ظاهراً من غير اشهار سلاح او قهر فهو راجع الى المستلب الذى سمعت الكلام فيه»^۳

یعنی: «اما مختلس که در نهایت و مهدب و سرائر به کسی که مال را به‌طور علنی بدون سلاح کشیدن یا توسل به زور می‌رباید، تفسیر شده، بازگشت به معنای استلاب دارد که بحث آن گذشت». صاحب جواهر در ادامه، کلام شهید ثانی در مسالک را که مستلب را کسی می‌داند که مال را به‌طور علنی ربوده و فرار می‌کند و مختلس به کسی می‌گوید که مال را مخفیانه ربوده و فرار می‌کند؛ بدین صورت توجیه می‌کند که مقصود شهید ثانی در معنای اختلاس که قید مخفیانه را آورده این است که در هنگام

۱- احمد بن محمد بن علی، المقرئ الفيومی، مصباح المنیر، چاپ اول، قم، دارالهیة، ۱۴۰۵ هـ.ق.

۲- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۹۶.

۳- همان، ص ۵۹۷.

غفلت صاحب مال، مال را برباید^۱ که کلام صاحب مصباح المنیر که در بالا نقل شد «الاختطاف بسرعة علی غفلة» مؤید نظر صاحب جواهر است. همچنین شیخ طوسی در معنای اختلاس می‌فرماید:

«والمختلس هو الذي يستلب الشيء ظاهراً من الطرقات و الشوارع»^۲ «مختلس کسی است که شیء را به صورت علنی در راهها و شوارع می‌رباید» در بیان تفاوت سرقت و اختلاس در کتاب موسوعة عبدالناصر به نقل از علمای حنفیه آمده است «سرقت ربایش مخفیانه به اندازه ده درهم از حرز است و اختلاس ربودن علنی و سریع است و از فرقه اباضیه نقل شده است که ربودن مال از چراگاهها یا کوهها و بیابانها یا راهها، اختلاس نامیده می‌شود و سرقت دارای حد قطع است و اختلاس حد ندارد.»^۳

از نظر حکم و مجازات، نظر فقهای امامیه و اهل سنت این است که «مختلس» حد قطع ندارد و مال ربوده شده از او پس گرفته می‌شود و توسط حاکم تعزیر می‌شود و دلیل آن احادیث متعددی است که از رسول خدا [ص] و ائمه اطهار [ع] نقل شده است که «مختلس» حد قطع ندارد بلکه طبق نظر حاکم تعزیر می‌شود.^۴ نتیجه اینکه: اختلاس، استلاب و اختطاف به ربودن علنی مال دیگری اطلاق می‌شود که با هم تفاوت‌هایی جزئی دارند ولی از نظر فقهی حکم مشترکی که همان تعزیر مرتکب و استرداد اموال ربوده شده باشد، دارند.

ب - خیانت در امانت:

جاحد و خائن به کسانی می‌گویند که مال امانی که به آنها سپرده شده است، خواه

۱- همان.

۲- محمد بن ادریس، حلی، سرائر، ج ۲، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ص ۵۲۲.

۳- موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۴، مصر، مجلس الاعلی للشنون الاسلامیه، ص ۸۸.

۴- محمد بن الحسن، حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، چاپ سوم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ هـ.ق.

به صورت ودیعه و خواه به صورت عاریه، ربوده و ادعا می‌کنند از بین رفته یا منکر ودیعه و عاریه می‌شوند.^۱ صاحب جواهر در شرح کلام مرحوم محقق که فرموده است «اگر امین خیانت کند به وسیله ربودن مال امانی، حد قطع ندارد» می‌فرماید «لأنه لیس سارقاً، اذ المال فی یده من غیر فرق بین الودعی و غیره»^۲ یعنی چنانچه امین در امانت خیانت کند و مال را بر باید سارق نیست، زیرا مال در اختیار او بوده و تفاوتی هم میان ودیعه و غیر آن نیست. در این باب نیز روایاتی از ائمه اطهار [ع] نقل شده است که مبنای کلمات فقها در این زمینه قرار گرفته است. از جمله ابابصیر از امام باقر [ع] درباره افرادی که همسفر بوده و بعضی، کالای بعضی دیگر را می‌ربایند سؤال می‌کند. امام علیه السلام می‌فرماید: این شخص (رباینده) خائن است و حد قطع در مورد او اجرا نمی‌شود و لکن به خاطر خیانت مجازات می‌شود.^۳ در حدیث دیگری از حضرت رسول [ص] نقل شده است که فرمودند: «لیس علی خائن و لا منتهب و لا مختلس قطع»^۴ امام صادق [ع] در خصوص شخصی که به عنوان کارگر یا اجیر به منزلی دعوت شده و سر تکب سرقت شده بود، فرمودند: «هذا موتمن لیس بسارق، هذا خائن»^۵ بنابراین سرقت توسط کارگر، امین، اجیر و ربودن مال عاریه توسط رهن از نظر فقها مصداق جنایت و جحد است و مجازات حد قطع نداشته و مستلزم تعزیر است.

ج - نشل (جیب‌بری):

در معنای این کلمه آمده است: «النشال المختلس الخیف الیه یشقّ ثوب الرجل و

۱- الموسوعة الفقهية، ج ۲۴، وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، ص ۲۹۳.

۲- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۴۸۸.

۳- محمد بن الحسن، حر عاملی، پیشین، ص ۵۰۹.

۴- احمد، الکیسی، پیشین، ص ۸۴.

۵- محمد بن الحسن، حر عاملی، پیشین، ص ۵۰۶.

يسل ما فيه على غفلةٍ من صاحبه و يعبر عنه بالطرار^۱ یعنی: نشال ربایندهی است که جیب شخص را با استفاده از غفلت مالک می‌زند و به این شخص جیب‌بر می‌گویند.

اصطلاح فقها نیز در این باب با معنای لغوی بی‌تناسب نیست از نظر فقهی طرار و نشال کسانی هستند که در حالت بیداری با تردستی و مهارت اموال دیگران را می‌ربایند و تفاوت «نشال یا طر» با «سرقت» در مسئله حرز است. بعضی از فقها میان سارق و طرار تفاوتی قائل نشده‌اند، زیرا انسان را برای لباس خویش و آنچه همراه دارد حرز می‌دانند.^۲ در این باب نیز در کتب حدیث، احادیث متعددی نقل شده‌است که در بعضی موارد به صورت مطلق فرموده‌اند که «طرار حد قطع ندارد» و در بعضی احادیث آمده‌است که چنانچه از جیب ظاهر بر باید حد قطع ندارد اما چنانچه از جیب باطن بر باید حد قطع دارد و در احادیثی هم به صورت مطلق آمده که طرار حد قطع دارد.^۳ قول مشهور میان فقها این است که چنانچه از جیب ظاهر ربوده شود حد قطع ندارد.^۴ بنابراین جیب‌بری و کف‌زنی در معنای متعارف و معمول آن، سرقت مشمول حد نیست و در کلام فقها تحت عنوان «نشال» و «طرار» مجازات تعزیری دارد.

د- نبش (دزدیدن کفن مرده):

«نباش» کسی است که کفن مردگان را بعد از دفن در قبر می‌رباید.^۵ قول مشهور میان فقهای امامیه این است که «نباش» حد قطع دارد، چون قبر برای کفن میت حرز محسوب می‌شود و در صورت تحقق سایر شرایط ربایش کفن مردگان از قبور، سرقت بوده و مستلزم حد قطع است.^۶ از نظر اکثر فقهای اهل سنت نیز نبش قبور و

۱- الموسوعة الفقهية، پیشین، ص ۲۹۳.

۲- همان.

۳- محمد بن الحسن، حر عاملی، پیشین، ص ۵۰۶.

۴- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۰۴.

۵- الموسوعة الفقهية، پیشین، ص ۲۹۳.

۶- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۱۵.

سرقت کفن اموات مستوجب حد قطع است. اما ابوحنیفه معتقد است که نباش سارق نیست چون مالی را می‌رباید که مالک ندارد و مال باارزشی نیست و مخفیانه و از حرز بودن این عمل را مستوجب حد سرقت نمی‌کند.^۱

هـ- نهب (غارت):

در معنای کلمه نهب آمده است: «نَهَبَ الشَّيْءَ نَهْبًا أَخَذَهُ قَهْرًا وَ النِّهْبُ: الْغَارَةُ»^۲ یعنی نهب غارت مال است به نحو قهر و غلبه. تفاوت میان نهب و سرقت در موضوع مخفیانه بودن و قهر و غلبه است که «نهب» مخفیانه نیست اما به طور قهر و غلبه انجام می‌شود ولی سرقت مخفیانه است و شرط آن قهر و غلبه نیست. در کلام فقها «منتهب» حد قطع ندارد و در حدیث جابر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده است: لیس علی خائن و لا منتهب و لا مختلس قطع»^۳

و- غصب:

از نظر لغوی غصب به معنای «تصرف چیزی به صورت علنی و ظالمانه» و از نظر اصطلاحی به معنای استیلاء بر حق غیر به صورت عدوانی است و تفاوت بین غصب و سرقت این است که غصب به صورت علنی محقق می‌شود، در صورتی که در سرقت لازم است ربایش به صورت مخفیانه و از حرز مناسب باشد^۴ و غاصب به دلیل این که به صورت قهر و غلبه هتك حرز می‌کند سارق محسوب نمی‌شود.^۵ صاحب جواهر در بیان علت عدم اجرای حد سرقت در مواردی که هتك حرز علنی باشد، می‌فرماید: «لکونه غاصباً عرفاً لا سارقاً»^۶

۱- الموسوعة الفقهية، پیشین، ص ۲۹۴.

۲- همان.

۳- احمد، الكبیسی، پیشین، ص ۸۴.

۴- الموسوعة الفقهية، پیشین، ص ۲۹۳.

۵- زین الدین بن علی، الجعبي العاملي، پیشین، ص ۲۳۴.

۶- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۴۸۸.

ز- احتیال (ربودن اموال دیگران از طریق حیله و تزویر):

بکار بردن حیله و تزویر و سندسازی و خود را فرستاده شخصی معرفی کردن یا نشان دادن دستخط یا امضای شخصی مبنی بر پرداخت وجه به ارائه‌کننده دستخط و غیره تحت عنوان «احتیال» در کتب فقهی مطرح شده است^۱ این قبیل افراد هم سارق محسوب نشده و حد قطع در مورد آنها اجرا نمی‌شود بلکه طبق نظر حاکم تعزیر می‌شوند^۲ و حدیثی که از امام صادق علیه‌السلام در صحیح حلبی مبنی بر قطع دست محتال نقل شده، بدین صورت توجیه شده که قطع دست به جهت افساد است نه به جهت سرقت و یا اینکه دستور امام علیه‌السلام اختصاص به مورد سؤال دارد و قابل تسری به کلیه موارد احتیال نیست.^۳

ح- مَبْنَج - مُرْقَد (ربودن اموال از طریق خوراندن داروی بیهوشی یا خواب‌آور)

شهید اول در لمعه بعد از بیان حکم مختلس، مستلب و محتال می‌فرماید: «و لو بَنَجَ غیره او سقی مرقداً و جنی شیئاً ضمن و عَزَّر»^۴ «اگر به کسی داروی بیهوشی یا خواب‌آور بخوراند و بر خورنده آسیبی برسد ضامن است و تعزیر می‌شود». از نظر لغت «بَنَجُ» یا «بنگ» گیاهی است بَرَنده حس و عقل و خواب‌آور و «مُرْقَد» به معنای داروی خواب‌آور است.^۵ خوراندن داروی بیهوش‌کننده یا خواب‌آور و ربودن مال دیگری از این طریق در کلام فقها در ذیل بحث محاربه آمده است و از نظر ایشان «مَبْنَج و مُرْقَد» حد قطع ندارند بلکه به نظر حاکم تعزیر می‌شوند و چنانچه از طریق خوراندن دارو باعث آسیبی به مجنی علیه شوند ضامن خواهند بود.

۱- محمد، کلانتر، تعلیقه شرح لمعه، ج ۹، ص ۳۰۴، محمدجعفر حبیب‌زاده، کلامبرداری در حقوق ایران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴، ص ۲۴ و ۲۵.

۲- سیدروح‌الله، خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۴۵۵.

۳- محمدحسن، نجفی، پیشین، ص ۵۹۸.

۴- محمد بن جمال‌الدین، مکی‌العالمی، پیشین، ص ۳۰۵.

۵- احمد، سیاح، فرهنگ دانشگامی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۲.

صاحب جواهر در این بحث در شرح عبارت شرایع می‌فرماید: «چنانچه کسی که داروی بیهوشی یا خواب‌آور به او خورانده شده مرتکب جنایتی شود، «مبّنج و مُرقد» ضامن است به جهت این که سبب اقوی از مباشر است.» اما در ادامه بحث، ایشان به نقل از قواعد همان کلام مشهور را آورده‌اند که: چنانچه «مبّنج و مرقد» باعث زیانی به مجنی علیه شود علاوه بر تعزیر، ضامن آسیب وارده به مجنی علیه نیز خواهد بود.^۱

پس از بررسی کلمات فقها در خصوص انواع ربایش مال غیر، ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) را که با توجه به نظریات فقها و دیدگاه فقهی قانونگذار وضع و تصویب شده از نظر تطبیق بر مصادیق مورد نظر قانونگذار بررسی می‌کنیم:

مبحث چهارم - ربایشی که سرقت نیست:

براساس ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ «هر کس مال دیگری را بریاید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌یی به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.» با توجه به اینکه مفاد ماده مذکور در قوانین راجع به سرقت از مواد تأسیسی است و در کنار سرقت مستوجب حد و سرقت‌های تعزیری مشدد و سرقت ساده، قانونگذار این بحث را مطرح کرده که ممکن است کسی مال دیگری را بریاید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، و با عنایت به مباحثی که در بخش قبل آوردیم که مصادیق متعددی از ربودن مال غیر در کلمات فقهای عظام مطرح شده است که عنوان «سرقت» ندارد، به نظر می‌رسد علت وضع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تأمین نظر و دیدگاه فقها در بحث سرقت، در قالب

این ماده قانونی بوده است. اما به نظر نگارندگان، با توجه به این که قوانین راجع به سرقت در حقوق ایران بعد از انقلاب اسلامی ترکیبی از حقوق اسلامی و حقوق عرفی است، تصویب این ماده هیچ‌گونه ثمره عملی ندارد و مشخص نیست مقصود قانونگذار از تصویب این ماده چه بوده است و چه مصادیقی مشمول حکم این ماده می‌شود. در بحث تعریف سرقت گفتیم که تعریف مندرج در ماده ۱۹۷ ق.م.ا. ۱ تعریف سرقت به‌طور کلی نیست، بلکه فقط سرقت مستلزم حد است و بسیاری از سرقت‌های تعزیری در قوانین ایران پیش‌بینی شده است که «مخفیانه بودن ربایش» شرط تحقق آنها نیست و در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز قانونگذار در مواد ۶۵۱ الی ۶۶۰ انواع سرقت تعزیری از جمله سرقت مقرون به پنج شرط مشدده، سرقت مقرون به آزار، راهزنی، سرقت مسلحانه شبانه، کیف‌زنی و جیب‌بری، سرقت از مناطق آسیب دیده، سرقت وسایل و متعلقات تأسیسات عمومی و غیره را پیش‌بینی کرده است و در ماده ۶۶۱ نیز مقرر نموده است: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در موارد فوق نباشد، مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.» بنابراین مصادیقی که تحت عنوان اختلاس، استلاب، اختطاف، طرّار، نشال و غاصب در کلمات فقهای عظام مطرح شده، هر کدام به نحوی مشمول مقررات مذکور می‌گردد و لذا به نظر می‌رسد برای تأمین نظر فقها بحث در بودن مال غیر نیازی به وضع ماده مذکوره نباشد. شاهد این استنباط جمله‌یی است که صاحب کتاب التشریح الجنائی الاسلامی در این رابطه دارد. ایشان پس از بیان تفاوت‌هایی که میان اختلاس و سرقت مستوجب حد وجود دارد، می‌نویسد: «احکام اختلاس در شریعت دقیقاً همان احکامی است که در قانون مصر در مورد سرقت جنحه‌یی وجود دارد»^۱ در کتاب احکام سرقت در شریعت اسلام و قانون آمده است: «قانونگذاران مخفیانه بودن ربایش در سرقت را لازم نمی‌دانند، بلکه «عدم رضایت مالک» را شرط می‌دانند و لذا

مصادیق سرقت، نهب و اختلاس را در باب واحدی مطرح می‌کنند. درحالی‌که در شریعت اسلام با توجه به تحقق معنای «مخفیانه بودن» بین این موارد فرق گذاشته می‌شود.^۱

با توجه به شواهد فوق می‌توان گفت در مقررات راجع به سرقت در حقوق ایران نیز موارد اختلاس، استلاب، اختطاف، طرّار، نشال و غیره که در منابع فقهی در ذیل بحث سرقت یا محاربه آمده و تعریف فقهی سرقت بر آنها صادق نیست، به‌عنوان مصادیقی از سرقت تعزیری مطرح و برای آن مجازات تعیین شده‌است. به‌عنوان مثال در ماده ۶۵۷ برای کیف‌زنی و جیب‌بری و امثال آن مجازات تعیین شده‌است و در ماده ۶۵۶ سرقت خادم از مخدوم و سرقت کارگر یا شاگرد و کاروان‌سالار از کاروانیان و غیره مطرح شده‌اند و بعضی از مصادیق بردن مال غیر در کلام فقها با توجه به تفکیک و تقسیم‌بندی جرایم علیه اموال، در بحث کلاهبرداری و خیانت در امانت بررسی می‌شوند. به این معنی که به‌کار بردن حیله و تزویر و یا سندسازی و یا خود را فرستاده شخصی معرفی کردن و از راه مانورهای متقلبانه مال دیگری را بردن که در کلمات فقها «احتیال» نامیده شده در حقوق موضوعه ایران در فصل کلاهبرداری و بردن مالی که در دست شخصی امانت است در فصل «خیانت در امانت» بررسی می‌شود. یکی از اموری که می‌توان گفت از مصادیق بارز ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است و ظاهراً مشمول مقررات راجع به سرقت نمی‌شود، مواردی است که مرتکب با خوراندن داروهای بیهوشی یا خواب‌آور مال دیگری را می‌رباید که در کلمات فقها به‌عنوان «مبّنج و مرقد» مطرح شده‌است و برای مرتکب آن تعزیر قائل شده‌اند و چنانچه این اقدام باعث ایراد صدمه‌یی به مجنی علیه شود از نظر فقهی ضامن است. هرچند ممکن است گفته شود که این موارد در حال حاضر مشمول مواد ۶۵۶ یا ۶۵۷ ق.م.ا. قرار می‌گیرند و در غیر این صورت با وجود ماده ۶۶۱ که به‌صورت مطلق برای

هر نوع سرقت خارج از قالب مواد قبل، مجازات تعیین نموده نیازی به وضع ماده جدیدی نیست. به هر حال بایستی منتظر ماند تا ببینیم رویه قضائی مواردی را با این ماده تطبیق خواهد داد یا خیر. به رغم ابهامات مذکور این استدلال که «قصد محروم کردن دائم، (سوء نیت خاص لازم برای تحقق جرم سرقت) است؛^۱ با رویه قضائی و نظام حقوقی ایران موافق نیست و چنین برداشتی تحت تأثیر حقوق انگلیس صورت گرفته است که در قانون سال ۱۹۶۸ در تعریف سرقت آورده است: «يك شخص متهم به سرقت است؛ اگر به طور متقلبانه مال متعلق به دیگری را به قصد محروم کردن دائمی او از آن مال، تصاحب کند...»^۲

از نظر رویه قضایی ایران برای تحقق ربودن، اثبات ید بر مال غیر بدون رضایت او کافی است به شرطی که منجر به بردن مال مذکور شود و برای تحقق این امر، وضع ید و بردن مال غیر باید از روی قصد و اراده باشد. و شرط دیگری که به عنوان (قصد محروم کردن دائمی دیگری از مال وی) در حقوق انگلیس مطرح شده، در رویه قضائی ما پذیرفته نشده است.^۳

نتیجه گیری

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قانونگذار سعی در اسلامی کردن قوانین جزائی داشته و در تعریف سرقت و پیش‌بینی مجازات قطع دست، نظریات فقها را مد نظر قرار دادن است و نظر به این که از دیدگاه فقها میان سرقت و ربودن مال غیر تفاوت وجود دارد و ربودن مال غیر در صورتی که مخفیانه و از حرز باشد «سرقت» و در غیر این صورت تحت عناوین دیگری قرار می‌گیرد، قانونگذار در تصویب قانون

۱- حسین، میرمحمدصادقی، نگاهی به تغییرات ایجاد شده در جرایم مالی به موجب قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، مجله کانون وکلا، ش ۱۱ س ۱۳۷۶، ص ۳۱۰.

2- Smith and Hogan, Criminal law, Butterworths, sixth edition, 1988, P.490.

۳- برای توضیح بیشتر به منبع زیر مراجعه شود: «حقوق جزای اختصاصی، محمدجعفر حبیب‌زاده، انتشارات بهمن، ۱۳۷۴، صص ۲۷ - ۲۰».

مجازات اسلامي (تعزيرات) در سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۶۵ براساس ديده‌گاه فقها ميان سرقت و ربودن مال غير تفاوت قائل شده و براي ربائيشي كه سرقت نيست، مجازات تعيين نموده‌است، اما مصاديق مشمول حكم ماده مذکور را بيان ننموده‌است. به نظر نگارندگان با توجه به اينكه در قانون مجازات اسلامي در کنار سرقت مستوجب حد، انواع مختلف سرقتهاي تعزيري كه مخفيانه بودن ربائيش شرط تحقق آنها نيست؛ پيش‌بيني شده و عناوين مذکور در كلام فقها از جمله اختلاس، استلاب اختطاف و... در قالب مواد مذکور قابل تعقيب و مجازات است، وضع و تصويب ماده ۶۶۵ مذکور، آن هم با عباراتي مبهم و غيروافي به مقصود، اقدامي مطلوب و ضروري نبوده‌است.

منابع و مأخذ

- ۱- حبيب‌زاده، محمدجعفر، حقوق جزای اختصاصی (جرايم عليه اموال)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
 - ۲- حلي، محمد بن ادریس، سرائر، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۱۰ هـ.ق.
 - ۳- امام خميني، روح‌الله، تحرير الوسیله، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۳۶۳.
 - ۴- سياح، احمد، فرهنگ دانشگاهي، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۲.
 - ۵- عاملي حر، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، چاپ سوم، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ هـ.ق.
 - ۶- الجبعي العاملي، زين الدين بن علي، الروضة البهيه في شرح اللمعة الدمشقيه، قم، دارالهادي، ۱۴۰۳ هـ.ق.
 - ۷- عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائي الاسلامي، چاپ سيزدهم، بيروت، مؤسسه رسالت، ۱۹۹۴ م.
 - ۸- الكبيسي، احمد، احكام السرقة في الشريعة الاسلاميه و القانون، چاپ اول، بغداد، چاپخانه ارشاد، ۱۹۷۱ م.
 - ۹- مكی العاملي، محمد بن جمال الدين، اللمعة الدمشقيه، قم، دارالهادي، ۱۴۰۳ هـ.ق.
 - ۱۰- مرواريد، علي اصغر، سلسله الينابيع الفقهيه، چاپ اول، بيروت، مؤسسه فقه شيعه، ۱۹۹۳ م.
 - ۱۱- الموسوعة الفقهيه، چاپ اول، وزارت اوقاف و شئون اسلامي كويت، ۱۹۹۰ م.
 - ۱۲- المقرئ الفيومي، احمد بن محمد بن علي، مصباح المنير، چاپ اول، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ هـ.ق.
 - ۱۳- موسوعة الفقه الاسلامي (موسوعة عبدالناصر)، مصر، مجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، بي‌تا.
 - ۱۴- نجفي، محمدحسن، جواهر الكلام، چاپ هفتم، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۹۸۱ م.
 - ۱۵- مجله كانون وكلا، دوره جديد، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ش ۱۱.
- 16- Smith and Hogan, Criminal law, Butteworths, London, 1988.

Abstract

Iranian Lawmaker differs between Theft and Stealing another property In Islamic

penalty act (Tazirat) 1375. Article 665 of this act provided discretionary penalty for cases where one steals another property. The effective cause of approval of this article is the opinion of Islamic Jurists: necessity of secretly stealing in theft.

regardful Islamic penalty act (Tazirat) 1375, which shows kinds of theft were provided and secretly stealing not necessarily, article 665 was not useful.

The key words in this research are: Theft - stealing.

* * *

احب الله تعالى عبداً سمحاً اذا باع و سمحاً اذا اشترى و سمحاً اذا قضى و سمحاً اذا اقتضى

خداوند بندهایی که به هنگام خرید و هنگام فروش و هنگام پرداخت و هنگام

دریافت سهل انگار است دوست دارد

حضرت محمد (ص) نهج الفصاحه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی